سخن آغازین

قاعده حقوقی هیچگاه ثابت و ایستا نمی‌ماند، هنجارها مانند پوستی است که بر اندام جامعه پوشیده است، شرایط متغیر همواره موجب تغییر رنگ و شفافیت یا شکنندگی پوست می‌شود. لباسی که پوشیده نشود برازندگی ندارد.

برگرفته از قاضی اولیور وندل هولمز

قاعده حقوقی قاعده رفتار اجتماعی است و هنجارها را باید در جامعه زنده آزمود. حقوق در دادگاه زنده می‌شود و چهره خود را به ما نشان می‌دهد. از همین رو است که در همه نظام‌های حقوقی، بیش و کم، رویه قضایی منبع سازنده قاعده حقوقی است. به پیروی از این واقعیت انکارناپذیر در این شماره از مجله آیین دادرسی مدنی تطبیقی بر آن شدیم تا قواعد حقوقی را در آینه آراء دیوان عالی کشور نمایان سازیم و به همین منظور به گنجینه‌ای ذخار از آراء یکی از قضات شهیر و عالم دیوان دست یازیدیم و با اذن حضرت ایشان تعدادی از آرائی که در طول سابقه پر برکت ایشان در مسند ریاست شعبه سوم دیوان کشور صادر شده‌اند، برای توضیح و نقد در اختیار صاحبنظران و محققان حقوقی کشور قرار گرفت تا دریچه‌ای به روی رویه قضایی بر روی جامعه حقوقی گشوده شود. جناب آقای حسن غفارپور مراغی نام و جایگاهی بلند و شایسته در میان قضات کشور دارند. برای معرفی ایشان تصمیم گرفتیم که از زبان دوست وصف او بشنویم تا هم درسی دیگر باشد در خودشناسی و هم لطف سخن برای خوانندگان مضاعف و مکرر گردد؛ با هم شرح حال ایشان را چنان که خود قلمی کرده‌اند، می‌خوانیم:

بسمه تعالی

دوستِ دانشمند گرامی جناب آقای دکتر محسنی استاد محترم دانشکدهٔ حقوق زید عزّه
با سلام و احترام،

به پیشنهاد فرموده حضرت عالی در مورد ذکر شمه‌ای از احوالات خود – به امید این که حمل بر عُجب و خودستایی نشود – مختصراً به استحضار می‌رسد و از تفصیل و جزئیات و نقل ناملایمات خودداری می‌گردد:

حقیر حسن غفارپور مراغی فرزند محمد متولد ۱۳۲۷ در شهر مراغه، پس از پایان تحصیلات ابتدایی در شهر مزبور به دنبال تشویق مرحوم پدرم از آغاز کلاس هفتم وارد تحصیل حوزوی در مدرسهٔ علمیهٔ مسجد جامع شهر فوق شدم و به موازات تحصیلات دولتی پس از قرائت عمّ و جزء و نصاب الصبیان ابونصر فراهی و گلستان در آن مدرسه، وارد مرحلهٔ بعد یعنی ادبیات عربی شدم. در دبیرستان از هفتم تا دیپلم به لحاظ این که درس‌ها برایم سهل و آسان بود نفر اوّل بودم، در دورهٔ ادبیات عربی بعد از قرائت جامع المقدمات – سیوطی – شرح جامی – مغنی، وارد دورهٔ سطح مشتمل بر فقه و اصول شدم. مقارن آن شرح تجرید را فراگرفتم. با پایان تحصیل دولتی برای ادامهٔ تحصیل حوزوی قصد عزیمت به نجف اشرف داشتم ولی، به پیشنهاد مرحوم پدرم در کنکور رشتهٔ حقوق شرکت کردم. چون پیشرفت در علوم اسلامی مورد تایید استاد بزرگوارم مرحوم آیت الله شیخ محمد امینی، اعلم علمای آن شهر، قرار گرفت، پس از پانزده خرداد و واقعهٔ مشهور، مرا به عنوان مدیر «قرائتخانه» قرائت خانهٔ مَلِک انتخاب نمود. مشارالیه متولی کتابخانه عمومی مزبور بودند و آن موجب استفاده بهتر حقیر از منابع موجود شد، ولی با قبولی در کنکور رشتهٔ حقوق باید یکی از دو طریق را انتخاب می‌نمودم. توضیحاً اضافه کنم که ضمن تحصیلات علمی در مراغه به تدریس دروس پایین هم مشغول بودم و در این رابطه مسجد موسوی واقع در چهار راه خواجه نصیر را محل تدریس خود قرار دادم. بالاخره برای ادامهٔ تحصیلات دانشگاهی به تهران مهاجرت نمودم و به توصیهٔ استادان خود مصمّم شدم در تهران دروس حوزوی را ادامه دهم. پس از جستجو در حوزه‌های تهران، مدرسهٔ خان مروی واقع در خیابان ناصر خسرو، رو به روی شمس العماره، کوچهٔ مروی را برگزیدم و به موازات تحصیل دانشگاهی، فلسفه و خارج فقه را ادامه دادم لیکن به علت سهل و راحت بودن دروس دانشگاهی بیشتر سعی خود را به دروس حوزوی و بررسی جوانب آن منحصر ساختم. به انگیزهٔ اطلاع از فلسفهٔ غرب هم در کلاس‌های فلسفه دورهٔ لیسانس و فوق لیسانس دانشکدهٔ ادبیات شرکت کردم لیکن به عللی بهره نبردم لذا در این

آیین دادرسی مدنی تطبیقی
Comparative Civil Procedure
ویژه‌نامه نکوداشت
قاضی حسن غفارپور
مراغی رئیس شعبه
سوم دیوان عالی
کشور، ایران – ۱۴۰۵

باره شیوهٔ دیگری برگزیدم. بعد از شرکت در دوره‌های قضاوت و وکالت عملاً دیدم ساختهٔ وکالت نیستم لذا مشغول قضاوت شدم، به عنوان دادرس – مستشار – ریاست دادگاه‌های حقوقی – معاونت دادستان – بازرس بازرسی کل کشور – معاونت نظارت دادگستری تهران – ریاست دادگستری شمال غرب تهران انجام وظیفه و بالاخره به دیوان عالی کشور انتقال یافتم. لازم به توضیح است که در دورهٔ خدمت به اخذ فوق لیسانس هم نائل شدم، و البته به تدریس کتب فقهی و اصولی و فلسفه و منطق هم برای بعضی علاقمندان ادامه دادم. پس از پیروزی انقلاب اسلامی مرحوم آیت اله موسوی اردبیلی ریاست محترم قوهٔ قضائیه که درس خارج فقه دائر کردند با عده‌ای از فضلای دیوان کشور شرکت و در این دوره هم به درس خارج فقه کتاب القضاء – شهادت – حدود و تعزیرات – قصاص – دیات مشغول شدم. معظمٌله به لحاظ اعتمادی که حقیر داشت استخراج منابع روایی و احادیث درس را به من محول فرمود.

البته در طول خدمت با وجود کثرت مشغلهٔ قضائیِ وقت‌گیر و طاقت‌فرسا در حد توان خود آثاری هم به شرح زیر تحقیق و تحریر شده است:

۱– تحقیق و تقدیم و تعلیق: الفوائد الاصولیه شیخ اعظم انصاری (ره) – اصول
۲– تحقیق و تقدیم و تعلیق: البصائر النصریه، ابن سهلان ساوی – منطق
۳– قتل شبهه عمل و مسائل آن
۴– رسالتان فی الفلسفه و المنطق
۵– تحقیق و تقدیم شرح عیون الحکمه ابن سینا و امام فخر رازی
۶– مبانی و مسائل رویهٔ قضایی
۷– شرح و تطبیق آیین دادرسی مدنی فراملی
۸– مبانی و مسائل: اصل دارا شدن ناعادلانه و شرح سند اتحادیهٔ اروپا
۹– شرح و تحلیل فلسفهٔ ویتکنشتاین
۱۰– مجموعهٔ آراء و احکام و اندیشه‌های قضایی مراغی
۱۱– فلسفهٔ کانت
۱۲– فلسفهٔ حقوق
۱۳– رسالهٔ حق و حقوق

با عرض پوزش و آرزوی توفیق
غفارپور
۱۴۰۵/۷/۱۵